

پیشگامان موسیقی
—
اومبرتو اکو ،
سینما و موسیقی

- فیلمنامه نویسی به سبک گودار / اومبرتو اکو / صفر تقی زاده
- اکو و موسیقی الکترونیک / آنتونیو و تیسکانیو / محمدرضا فرزاد

فیلمنامه نویسی به سبک گودارد

اومبرتو اکو

ترجمه صفدر تقی‌زاده

۲۸۸

اومبرتو اکو، نویسنده و ادیب ایتالیایی، از سرشناس‌ترین و مطرح‌ترین چهره‌های ادبی دنیای معاصر است. رمان نام گل سرخ و پاندول فوکو از آثار برجسته و ماندگار اوست. در حال حاضر، استاد رشته «نشانه‌شناسی» دانشگاه بولونیای ایتالیا است.

پس از انتشار نخستین رمانش نام گل سرخ در سال ۱۹۸۰، یکبار به عنوان نویسنده و ادیبی تراز اول، شهرتی جهانی یافت. با این همه، با فروتنی می‌گوید «مرا بیش از حد بزرگ نکنید. هر ذره‌کاری که من تاکنون انجام داده‌ام، سرانجام به یک هدف غایی منتهی می‌شود: تلاشی سرسختانه برای درک مکانیسمی که به وسیله آن به دنیای پیرامون خود معنی می‌دهیم.»

در مورد پیشرفت‌های علمی و به ویژه در زمینه استفاده از «هوش مصنوعی» با دستگاه‌های کامپیوتر معتقد است که «انسان‌های آینده، مهندسان نیستند، روشنفکران و اصحاب علوم انسانی‌اند.» به پنج زبان زنده دنیا تسلط کامل دارد و ادبیات کلاسیک یونان را خوب می‌شناسد.

مقاله‌نویس چیره‌دستی است و در باب موضوع‌های گوناگون فلسفی و ادبی و علوم اجتماعی قلم می‌زند. تاکنون به دریافت انواع و اقسام جوایز ادبی نایل آمده است. از جایزه «یومیو استرگا»، بالاترین جایزه ادبی ایتالیا گرفته تا جایزه «مدیسی» فرانسه و درجه‌های دکترای افتخاری فراوان. مدام در سفر است و در دانشگاه‌های معتبر دنیا از جمله امریکا و برزیل تدریس می‌کند و در کنفرانس‌ها و سمینارهای ادبی متعدد شرکت می‌جوید. اکنون موضوع پاره‌ای از این سمینارها به نقد و تحلیل آثار خود او اختصاص یافته است. جانمایه بیشتر آثارش، بررسی اثرات متقابل جامعه و فرهنگ عامه است. اما بزرگ‌ترین دستاوردش در زمینه علوم پژوهشی، نظام و قاعده بخشیدن به علم نوای «نشانه‌شناسی» است، علم مطالعه علامات و نشانه‌ها، نه تنها نشانه‌های واژگانی که نشانه‌هایی از قبیل پرچم‌ها، ت‌های موسیقی، علایم پزشکی، حرکات دست و صورت، معماری و حتی انواع پوشاک‌ها از زمان ارسطو گرفته تا زمان حال.

نشانه‌شناسان، هریک از این نظام نشانه‌ها را برای شناخت «رمز» زیرین و پنهان‌شان می‌کاوند و نحوه پیدایش آن‌ها را تحلیل می‌کنند. علم «نشانه‌شناسی» در زبان و ادبیات و به ویژه بینش‌های تازه در نقد ادبی امروز، نقش برجسته‌ای داشته است. نظریه «نشانه‌شناسی» و اهمیت شناخت آن‌ها البته از زمان یونان قدیم مورد توجه فیلسوفان عالم بوده است، اما علم «نشانه‌شناسی» به شکل امروزی‌اش، تنها از حدود چهل سال پیش اعتبار تازه یافته و در دانشگاه‌های معتبر دنیا تدریس می‌شود. بخشی از فعالیت‌های فرهنگی اومبرتو اکو، در حال حاضر توسعه و ترویج علم «نشانه‌شناسی» است.

امبرتو اکو چند سال پیش، در ستونی از یکی از نشریه‌های ادبی ایتالیا، مطالبی حاوی طنز و ظریفه و هزل می‌نوشت که بعدها به صورت کتاب جداگانه‌ای منتشر شد. در بخشی از این مطالب، نوشته‌ای است با عنوان «فیلمنامه‌نویسی به سبک گودار» که ترجمه آن را در زیر می‌خوانید:

گودار خود باشید!

هر کس می‌تواند ۱۵۷۴۱ فیلم سینمایی به سبک آنتونیونی بسازد!

در سال ۱۹۹۴ با استفاده از دوربین‌های مجهز فیلمبرداری ویدیویی، تهیه فیلم‌های سینمایی، چه فیلم‌های تجاری و چه فیلم‌های هنری و تخصصی با دشواری‌های جدی روبه‌رو می‌شود. هنر فیلمسازی به صورت تکنیکی همگانی درمی‌آید و همگان فقط به تماشای فیلم‌های ساخت خود می‌نشینند و دیگر به سالن‌های سینما رفت و آمد چندانی نخواهند داشت.

بروشورها و کتابچه‌های راهنمای بی‌شماری با عنوان‌های «آنتونیونی خود باشید» منتشر می‌شود. علاقه‌مندان یک بسته «الگوی طرح و داستان» اصلی که در واقع اسکلت و چارچوب یک داستان سینمایی است می‌خرند و بعداً آن را با انواع گوناگونی از عناصر جانشین یا گونه‌های یدکی به اختیار خود کامل می‌کنند. با یک الگوی واحد و یک بسته یا مجموعه گونه‌های یدکی ضمیمه آن، هر کس می‌تواند ۱۵۷۴۱ فیلم سینمایی به سبک آنتونیونی بسازد.

آنچه در زیر می‌آید راهنماها و دستورالعمل‌هایی است که ضمیمه کاست «گودار خود باشید» ارائه شده است. حروف الفبایی بالای نوشته، نمایانگر عناصر متغیر و قابل تعویض است و گونه‌ها و عناصر جانشین و یدکی احتمالی، در پایان طرح فیلمنامه آمده است.

فیلمنامه ژان - لوک گودار

مرد به صحنه می‌آید «الف» و بعد بنگ «ب»، یک پالایشگاه «پ» منفجر می‌شود. امریکایی‌ها «ت» سرگرم عشق بازی‌اند «ث». آدمخوارها «ج»، مسلح به بازوکا «ح»، روی خط آهن «ح»، آتش می‌کنند «خ». زن می‌افتد «د»، شلیک گلوله سوراخ سوراخ کرده است «ذ». کوهن بندیت «ر»، که با سرعتی سرسام‌آور «ر» به طرف ونسان «ژ» در حرکت است، به قطار «س» می‌رسد و نطقی ایراد می‌کند «ش». دو نفر «ص» او را «ض» می‌کشند. مرد گفته‌های ماثو «ط» را می‌خواند. مونتسکیو «ظ» بمبی «ع» به سوی دیدرو «غ» پرتاب می‌کند. او خودش را می‌کشد «ف». مرد با روزنامه فیگارو «ق» ور می‌رود. سرخ‌پوست‌ها سر می‌رسند «ک».

راهنمای عناصر و گونه‌های جانشین

الف: مرد آنجا ایستاده است و گفته‌های ماثو را می‌خواند. کف بزرگراه افتاده و مغزش پخش و پلا شده است. دارد خودش را می‌کشد. با صدای بلند، برای جمعیتی سخنرانی می‌کند. در خیابان می‌دود. از پنجره بیرون می‌پرد.

ب: دنگ. گرامب گرامب. تق تق. شترق شترق.

پ: یک کودکستان. کلیسای تتردام. ادارات مرکزی حزب کمونیست. ساختمان مجلس. پرستشگاه باستانی الهه خرد در آتن. دفتر نشریه فیگارو. کاخ الیزه. پاریس.

ت: آلمانی‌ها. چتربازان فرانسوی. ویتنامی‌ها. عرب‌ها. اسرائیلی‌ها. پلیس. ث: سرگرم عشق بازی نیستند.

ج: سرخ پوست‌ها. حسابدارها. کمونیست‌های ناراضی. رانندگان بی‌مخ کامیون‌ها.

چ: خمپاره. نسخه‌هایی از روزنامه فیگارو. شمشیر دزدان دریایی. مسلسل سبک. قوطی‌هایی از رنگ قرمز. قوطی‌های از رنگ آبی. قوطی‌های از رنگ زرد. قوطی‌هایی از رنگ نارنجی. قوطی‌هایی از رنگ سیاه. نقاشی‌های پیکاسو. کتابچه کودک قرمز. کارت پستال.

ح: روی کاخ الیزه. دانشگاه ناتر. میدان ناوونا. سرتاسر جاده.

خ: سنگ می‌پراندند. بمب می‌پراندند. قوطی‌های خالی رنگ قرمز، رنگ سبز، رنگ آبی، رنگ زرد، رنگ سیاه می‌پراندند. نوعی مایع لیز و لزج می‌ریزند.

د: مأموران سیا او را از پنجره بیرون انداخته‌اند. چتربازان به او تجاوز می‌کنند. بومیان استرالیایی او را کشته‌اند.

ذ: با یک زخم عمیق در شکم. جریانی از رنگ زرد (قرمز، آبی، سیاه) استفراغ می‌کند. با ولتر عشق می‌ورزد.

ر: ژان ژاک سروان شرایبر. ژان پل سارتر. پییر پائولو پازولینی. د آلبرت.

ز: با گام‌های لرزان. بسیار، بسیار آهسته. آرام می‌ایستند حال آن‌که پسزمینه (نمای ترفندی) در حرکت است.

ژ: ناتر. فلن. میدان باستیل. کلینانکورت. ونیز.

س: به قطار نمی‌رسد. با دو چرخه می‌رود. با اسکیت می‌رود.

ش: به گریه می‌افتد. فریاد می‌زند «زنده باد گوارا!»

ص: گروهی سرخ پوست.

ض: همه را می‌کشند. هیچ‌کس را نمی‌کشند.

ط: نقل قول‌هایی از برشت. اعلامیه حقوق بشر. سن ژان پرس. پرنس کوریسکی. الوار.
لو سون. شارل پگی. روزا لوکزامبورگ.

ظ: دیدرو. ساد. رستیف دولابرتون. پمیدو.

ع: یک گوجه فرنگی. رنگ قرمز (آبی، زرد، سیاه).

غ: دانیل کوهن بندیت. نیکسون. مادام دوسوینیه. وواتور. ون فوکت. اینشتین.

ف: از آنجا دور می‌شود. دیگران را همه می‌کشد. بمبی به طرف تاق پیروزی پرتاب
می‌کند. یک مغز الکتریکی را می‌ترکاند. انواع قوطی‌های رنگ (سبز، آبی، قرمز،
سیاه) روی زمین خالی می‌کند.

ق: گفته‌های ماثو. یک «تاتزه باثو» می‌نویسد. شعرهایی از پیر امانوئل می‌خواند. یکی از
فیلم‌های سینمایی چارلی چاپلین را تماشا می‌کند.

ک: چتر بازها. آلمان‌ها. گروه حسابداران گرسنه در حال تکان دادن شمشیرهای خود.
تانک‌های زرهی. پیر پائولو پازولینی با پومیدو. ترافیک روزهای تعطیل (بانک
هالیدی). دیدرو در حال فروش انسایکلوپدیا خانه به خانه. اتحادیه مارکسیست -
لنینیستی روی تخته‌های اسکیت.

نشر گل‌آذین منتشر کرده است



جلال آل احمد

سایه‌های روشن در
داستان‌های جلال

جواد اسحاقیان

۱۹۲ صفحه / ۲۲۰۰ تومان

دربارهٔ آل احمد و آثارش که نوشته نشده است، اما آنچه ما به آن
برخاسته‌ایم، خود از رنگی دیگر است.
همهٔ همه و غم من در این کتاب مصروف نقد و بازخوانی
برخی آثار وی بر پایهٔ نظریه‌های ادبی تازه است. من به سویه‌ها و
ابعادی از آثار این نویسنده پرداخته‌ام که دیگران از آن غفلت
ورزیده‌اند. کوشیده‌ام مرعوب آنچه دربارهٔ وی به حق و ناحق
نوشته‌اند، نشوم و پست و بلند و سایه و روشن ذهنیت او را چنان
که خود دریافته‌ام، بررسی و نقادی کنم.

تهران. صندوق پستی: ۱۵۸۱-۱۶۳۱۵ • تلفن: ۶۶۹۷۰۸۱۶
تلفاکس: ۶۶۹۷۰۸۱۷



مجموعه انسانی و مطالعات فرهنگی
مجمع علوم انسانی